

مَجْمُوعَةُ مَشَاهِير

شیخ طوسی



شیخ طوسی • پیشوای عالمان شیعی

مهدی کمپانی زارع



نشر وایا

سرشناسه: کمپانی زارع، مهدی، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور: شیخ طوسی: پیشوای عالمان شیعی / مهدی کمپانی زارع.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات وایا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
فروست: وایا ۱۸؛ مشاهیر ۴.
شابک: ۱۵۰۰۰ ریال؛ ۹-۷-۹۵۶۷۳-۶۰۰-۹۷۸.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: طوسی، محمد بن حسن، ۳۸۵ - ۴۶۰ ق.
موضوع: مجتهدان و علما - سرگذشت نامه
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ک۸ ط۹/۳/۵۵ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۹۹
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۳۴۲۳۱

- عنوان: شیخ طوسی، پیشوای عالمان شیعی ♦
- تألیف: مهدی کمپانی زارع
- طراح جلد: حسن کریمزاده
- مدیر فنی و ناظر چاپ: انوشه صادقی آزاد
- صفحه آرا: الهام آهویی
- ناشر: وایا
- شابک: ۹-۷-۹۵۶۷۳-۶۰۰-۹۷۸
- نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۵
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- بهای: ۱۵۰۰۰ ریال
- چاپخانه: نقره آبی
- آدرس الکترونیکی: vaya.pub@gmail.com

■ فهرست مطالب ♦

۷	■ پیشگفتار
۹	■ فصل اول: سیری در زندگی شیخ طوسی
۱۱	- تولّد در طوس
۱۲	- مهاجرت به بغداد
۱۶	- حضور در مجلس درس علمای بزرگ بغداد
۲۱	- یافتن زعامت شیعیان
۲۸	- ناامنی بغداد و مهاجرت به نجف
۳۱	- فرزندان شیخ طوسی
۳۳	■ فصل دوم: کتاب‌ها و جایگاه علمی شیخ طوسی
۳۵	- نگاهی فهرست‌وار به آثار و تألیفات شیخ طوسی
۳۷	- جایگاه علمی شیخ طوسی

۴۳	■ فصل سوم: علم کلام در آثار شیخ طوسی
۴۵	- علم کلام و جایگاه آن نزد شیخ طوسی
۴۷	الف) توحید باری تعالی
۶۰	ب) رویت الهی
۶۷	ج) نبوت
۷۰	د) امامت و مسائل پیرامون آن
۷۳	ه) غیبت حضرت مهدی (عج)
۷۹	و) زندگی پس از مرگ (معاد)
۸۳	ز) شفاعت
۸۵	ح) حُسن و قبح افعال
۸۷	ط) بداء
۸۸	ی) رجعت
۹۱	ک) جبر و اختیار
۹۵	■ فصل چهارم: میراث شیخ طوسی در تفسیر قرآن
۹۷	- جایگاه تفسیر التبیان شیخ طوسی در تاریخ تفسیر
۱۰۴	۱) تحریف‌ناپذیری قرآن
۱۰۷	۲) تفسیر به رأی و نقد شیخ طوسی
۱۰۹	۳) اعجاز قرآن
۱۱۳	■ فصل پنجم: میراث شیخ طوسی در علم حدیث
۱۱۵	- تهذیب الاحکام و الاستبصار و علل نگارش آن
۱۲۰	- الامالی شیخ طوسی
۱۲۰	- شناخت رجال حدیث
۱۲۵	■ فصل ششم: شیخ طوسی پیشوای مجتهدان
۱۳۳	■ فصل هفتم: میراث شیخ طوسی در ادعیه و زیارات
۱۴۱	■ نمایه‌ها
۱۴۱	۱. کسان
۱۴۵	۲. کتاب‌ها و رساله‌ها
۱۴۷	■ منابع و مأخذ

پیشگفتار

بی‌شک یکی از پیشگامان و پیشروان اندیشه دینی در جهان تشیع، شیخ محمد طوسی است. بزرگان شیعه او را «شیخ الطائفه» خوانده‌اند و همواره شخصیت و آثارش را ستوده و مورد تدقیق و تحلیل قرار داده‌اند. او گام‌هایی را برای احیا و حفظ موارث اسلامی و شیعی برداشته که پیش از وی در برخی موارد بی‌نظیر و در بعضی موارد، کم‌نظیر بوده است. تفسیری چون التبیان فی تفسیر القرآن و کتابی چون المبسوط فی فقه الامامیه از جمله آثار بی‌مانند در جهان تشیع تا زمان اوست و کتاب‌هایی چون التهذیب و الاستبصار در علم حدیث و مصباح‌المتجهّد در ادعیه و زیارات از آثار کم‌نظیر شیخ طوسی است. او در عمری متجاوز از هفتاد سال از خراسان تا بغداد و از بغداد تا نجف، به چیزی جز احیای اسلام و تشیع و حفظ میراث معصومان علیهم‌السلام نیاندیشید و از آن است که پس از هزار سال، وقتی از او سخن می‌گوییم، قلبمان از محبت و حرمت به او آکنده می‌شود و عمیقاً خود را وامدار او می‌یابیم. شیخ، کشتی‌ای را می‌مانست که در سال‌های پایان عمر در ساحل امن مضجع پاک امیرالمؤمنین علیه‌السلام آرام گرفت و چه آرامی که از همان لحظه‌های نخست در این شهر نیز کاری جز تعلیم و ترویج دانش اهل بیت علیهم‌السلام نداشت و همو بود که حوزه نخبه پرور نجف را بنا گذاشت و باقیه صالحه‌ای برای خود باقی گذاشت که تا صبح قیامت برای وی رحمت و رضوان الهی را به دنبال دارد.

ما شیعیان مدیون شیخ طوسی‌ایم و باید به هر صورت، دین خود را به این عالم صالح ادا کنیم. اهل قلم با نوشتن ادای دین می‌کنند، هر چند حق چون او بی، برتر از گفتار و نوشتار

است. خداوند متعال چندی است که به صاحب این قلم توفیق داده که با شیخ طوسی انس و الفتی بیابد و آثار قلمی او را در مطالعه بگیرد و محصول این مطالعات تاکنون دو کتاب شیخ طوسی و تفسیر تبیان و نیز طوسی پژوهی بوده است. البته در کتاب دوم از مشارکت برخی محققان این حوزه بهره‌مند بوده‌ام.

اثر حاضر، چکیده و خلاصه‌ای از مطالعات این جانب متناسب با حوصله بشر امروز به قصد معرفی دانشمندی شگفت است. این اثر، همان بحر در کوزه است به قصد رفع تشنگی و معلوم است که دریانوشان بایستی توقع دریا از کوزه نداشته باشند. رجای واثق دارم که خداوند و اولیای او در این اثر کوچک، به دیده رحمت می‌نگرند و همه کسانی را که با واسطه و بی‌واسطه در شکل‌گیری آن دخالت داشته‌اند، مورد عنایت خود قرار می‌دهند.

حافظ وصال می‌طلبد از ره دعا
یا رب دعای خسته دلان مستجاب کن

مهدی کمپانی‌زارع

زمستان ۱۳۹۴ خورشیدی

فصل اوّل

سیری در زندگی

شیخ طوسی

تولد در طوس

در یکی از روزهای رمضان المبارک سال ۳۸۵ ق در شهر طوس در خانواده‌ای شیعی، فرزندی به دنیا آمد که قرن‌های متمادی با نام شهرش شهره آفاق شد و آثار قلمش، پاکی نطفه و لُقمه و استواری قدمش را در کسب دانش و بینش نمایان ساخت. طوس از جمله نواحی‌ای است که سهم مهمی در شکوفایی و بالندگی فرهنگ اسلامی - ایرانی دارد. بزرگانی چون: فردوسی، اسدی، محمد و احمد غزالی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، ابونصر سراج و خواجه نظام‌الملک، تنها بخشی از کسانی هستند که در طوس متولد شدند و موجبات رشد و پویایی دانش و فرهنگ را در قرون بسیار فراهم آوردند. آنچه امروزه طوس نامیده می‌شود، بخش بسیار کوچکی از طوس در گذر تاریخ است.

رونق این شهر به عصر باستانی ایران باز می‌گردد و از نظر جغرافیایی، بخش‌های وسیعی از جمله نوقان و طابران و رادکان را شامل می‌شده است. در سال‌های نزدیک به ولادت شیخ طوسی، این شهر محل کشمکش حاکمان محلی و تُرکان غزنوی بود. حتی سبکتکین، پدر سلطان محمود غزنوی، در این منطقه، ویرانی‌های بسیاری را موجب شد که چند سال بعد به دستور سلطان محمود، ترمیم و تعمیر شد.

باری، این فرزند فرخنده، با ارادت والدین وی به پیامبر گرامی اسلام صَلَّی الله علیه و آله، محمد نامیده شد. خاندان وی که از زمره اقلیت شیعیان اثناعشری طوس بودند، مایل بودند که فرزند دلبندشان - که از همان ابتدای کودکی آثار نبوغ و بزرگی در ناصیه اش هویدا بود - عَلِم حَقَانِیت شیعیان را در اقطار دارالاسلام و در میان بی‌شمار فِرَق و نحل پدید آمده،

بیافرازد. از این رو، در سَنی نزدیک به هفت سالگی او را به مکتب فرستادند و در مدتی اندک، دوران «تکتیب» و «تلقین» را سپری کرد. مکتب، اتاقکی بود که در جنب مسجد یا بازار و یا به ندرت در محله‌های دیگر قرار داشت. مکتب‌دار که کار تعلیم کودکان را بر عهده داشت، می‌بایست شخصی آگاه بر قرآن کریم و شیوه حفظ آن و نیز دارای خطی خوش و آشنا به علم حساب می‌بود.

مکتب در این دوران دو مرحله داشت: در مرحله نخست به تعلیم خط و حساب و صرف و نحو اختصاص می‌یافت و اصطلاحاً «کُتّاب» گفته می‌شد و در مرحله دوم به یاد دادن و حفظ قرآن کریم می‌گذشت. یاد دادن خط را «تکتیب» و یاد دادن قرآن را «تلقین» می‌گفتند و یاددهنده قرآن را «مُلقّن» می‌نامیدند. به هر روی، محمد طوسی هم در تکتیب و هم در تلقین، از خود استعداد شگرفی را نشان داد و از این رو، به توصیه معلمانش و نیز با توجه به شوری که در خود احساس می‌کرد، خواهان ادامه دادن طریق تحصیل دانش گردید.

این دانشجوی نوجوان در شهر خود به کسب مقدمات علوم پرداخت و کوشید که جمع معانی کند تا بتواند به وقت ضرورت و نیاز، گویِ بیان در میدان دانش و دین روان کند. آنچه او در این شهر آموخته، به تفصیل بر ما روشن نیست، اما از اینکه وی در زمان حضور در بغداد، در محفل شیخ مفید حاضر می‌شده، نشان از آن دارد که وی آنچه را در مقدمات ادب و اصول و فقه و کلام باید می‌آموخته، فراگرفته است. اطلاعات محققان از دوره حیات شیخ طوسی در طوس به راستی ناچیز و گاه نادرست است. برای مثال: برخی از محققان اهل سنت با توجه به اکثریت سنی طوس، شیخ را از اهل سنت و شافعیانی دانسته‌اند که بعدها به طریق شیعه امامی درآمده است.^۱ حتی برخی وی را از شاگردان ابوحازم نیشابوری شافعی مذهب اشعری مسلک دانسته‌اند.^۲ آنچه به صورت جزئی در زندگی شیخ طوسی برای ما مکشوف است، به حیات وی در بغداد پس از بیست و سه سالگی مربوط است.

مهاجرت به بغداد

رفتن به شهر بغداد برای طلبه فاضل و تشنه‌ای چون شیخ طوسی، امری غریب نیست.

۱. ر.ک: طبقات الشافعیة، ج ۳، ص ۵۱؛ طبقات المفسرین، ص ۲۹؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۵۲.
 ۲. در این باب و نیز ملاحظه نقدی بر آن ر.ک: نکته‌ای درباره یکی از استادان ناشناخته شیخ طوسی در مجموعه بررسی‌های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، صص ۸۴۵ - ۸۴۱.

این شهر که مرکز خلافت عباسیان در دورانی طولانی است، مرکز علم و دانش نیز هست. بزرگ‌ترین علمای مذاهب گوناگون اسلامی از شیعه و سنی در این شهر حضور دارند و مراکز فرهنگی و علمی متعددی در آن به صورت مستمر مشغول به کار است. وجود کتابخانه‌های بزرگ و نیز دارالعلم‌های متعدد و نیز حضور علمای بزرگ فرق و نحل کلامی و فقهی مختلف هر یک به تنهایی می‌تواند طالب علمی چون شیخ طوسی را از یار و دیار جدا کند و راهی غربت آشنای بغداد نماید. آنچه باید بر همه این عوامل افزود، فضای مناسبی بود که در سایه حکمرانی آل بویه در بغداد پیش آمده بود. آنان با مردم حسن سیاست و خوشرفتاری داشتند و از این رو، مردم نیز به ایشان علاقه‌مند بودند. آل بویه حتی با دشمنان نیز با نیکویی مواجه می‌شدند و در صورت چیرگی بر ایشان، عفو را پیشه خود می‌ساختند. آل بویه همچنین انضباط مالی قابل توجهی داشتند و از افراط و تفریط‌های معمول اهل قدرت، کمتر در کار ایشان دیده می‌شد. ایشان به اعتلای علم و فرهنگ اهتمام خاص داشتند و اهالی دانش و هنر را گرمی می‌داشتند. شیعی بودن آنان هر چند موجب قدرت یافتن شیعیان در قلمروی حکومتشان گردیده بود، اما به هیچ روی، موجبات محدودیت و آزار دیگر مذاهب را فراهم نمی‌آورد. بوییان، شیعیان را از انزوای جباران بیرون آوردند و اجازه دادند که ایشان به صورت علنی به فعالیت‌های مذهبی و علمی بپردازند. از مهم‌ترین اقدامات آنان می‌توان به برگزاری مراسم عاشورای حسینی و نیز عید غدیر خم اشاره کرد. بنابر آنچه از اخبار استفاده می‌شود، پیش از سال ۳۵۲ق مراسم عزاداری در روز عاشورا و جشن و سرور در روز عید غدیر خم به صورت علنی برگزار نمی‌شده است. نخستین بار در این سال است که به دستور معزالدوله شیعیان چنین مراسمی را به صورت آشکار برگزار می‌کنند.^۱

باری، در سال ۴۰۸ق شیخ طوسی را در سن بیست و سه سالگی در بغداد می‌بینیم. هر چند این دوران از تاریخ بغداد با تنزل رفاه اقتصادی مردم و نیز ناامنی اجتماعی همراه بود، اما آل بویه توانسته بودند فضای فرهنگی - علمی مناسبی برای اهل فضل و دانش فراهم آورند. آنان هر چند فارسی زبان بودند و به فرهنگ ایرانی تعلق داشتند و از نظر مذهبی شیعه به شمار می‌آمدند، اما هرگز به داعی حمایت از زبان و مذهبی خاص، عرصه را بر دیگران تنگ ننمودند. هر چند بوییان می‌کوشیدند که با باز گذاشتن فضای بلاد تحت فرمان خود و به ویژه

کلان شهر بغداد، بر آتش اختلافات مذهبی که اندکی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش آمده بود و تا زمان آنان نیز روز به روز رو به فزونی می‌رفت، نفت تشدید نپاشند، اما اختلافات عمیق میان مذاهب اسلامی گاه و بی‌گاه موجب آشوب‌هایی در حوزه تحت فرمان ایشان می‌شد. ابن اثیر نمونه‌های عجیبی از این اختلافات را در تاریخ خود ذکر کرده است. وی برای تشریح اختلاف میان برخی از جماعات اهل تسنن با شیعیان بغداد از شبیه‌سازی وقایع تاریخی سخن می‌گوید. برای مثال: وی ضمن بحث از وقایع سال ۳۶۳ ق به فتنه‌ای بزرگ در میان برخی پیروان این مذاهب اشاره می‌کند. در این فتنه، برخی از سنیان محله سوق الطعام، زنی را سوار شتر کردند و او را عایشه نام نهادند. دو تن از ایشان نیز خود را طلحه و زبیر نامیدند و با شیعیان محله کرخ و پیروان فرضی امام علی علیه‌السلام در جنگ جمل، منازعه نمودند. شیعیان نیز با بازسازی واقعه عاشورا، معارضت خود را با ایشان نشان می‌دادند.^۱ گاه عاطفه عوام، اختلافات را در قالب تفاخرها و نزاع‌های فیزیکی بروز می‌داد و جماعتی از محله‌ای به محله دیگر هجوم می‌بردند و درگیری‌های خونی را رقم می‌زدند و گاه عاقله خواص در قالب جلسات علمی و مناظرات کلامی و عموماً به صورت نگاشتن اعتقادنامه‌ها و ردیه‌هایی بر فرق دیگر خود را نشان می‌داد. جلسات بحث و فحص، تنها به حلقه علما و مدارس و مساجد منحصر نمی‌شد و مباحثات علمی در بازار و میادین و باغ‌های اطراف شهر نیز ملاحظه می‌شد. در این شهر، یکی از مهم‌ترین مراکز نقد و بررسی آرای یکدیگر برای جماعت اهل فضل، کتابفروشی‌ها بود. در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، تعداد کتابفروشی‌ها در بغداد رو به فزونی گرفته بود و متولیان صاحب فضل آن احياناً با حمایت از اندیشه و مذهبی خاص، موجبات درگرفتن مباحث علمی و اعتقادی در میان مراجعان فاضل خود را فراهم می‌آوردند. گزارش‌های منابع تاریخی این دوران از عمومیت این فضا در کل شهر خبر می‌دهد. برای نمونه: در آستانه درگاه سفالگری ابوالعتاهیه شاعر، یا رنگری ابوبکر صبیعی متکلم، جمع کثیری می‌نشستند و به سخنرانی‌های ابوعبدالله بن یعقوب گوش فرا می‌دادند.

یکی دیگر از جاهایی که در میان اهل فضل بحث در می‌گرفت، دربار امیران و وزیران بود. با همه علاقه‌ای که حاکمان و مردم به مباحث علمی و دینی نشان می‌دادند، مراکز علم اندوزی به صورت حوزه‌های علمی منسجم که در آن علاقه‌مندان دانش بتوانند به نحو

منظم به تحصیل بپردازند - آن چنان که در قرون بعد، توسط سلجوقیان و وزیر آنان خواجه نظام‌الملک در هیأت نظامیه بغداد شکل گرفت - وجود نداشت. بنابراین، آنچه در این دوره به این شهر اهمیت می‌داد، نه مراکز علمی تحقیقاتی بزرگ، بلکه فضای آزاد آن بود که علما را فارغ از هر اعتقاد و دین و مذهبی در آغوش خود می‌پذیرفت. البته - چنان که در ادامه گفته خواهد شد - در این شهر، دارالعلم‌های متعدد و کتابخانه‌های شگفت‌انگیزی وجود داشته است. رونق کتاب و کتابخوانی در عصر آل بویه، مختص به بغداد و اهل دانش نبوده است. برای مثال در شیراز این عصر که مرکز حکومت بوییان بوده است، کتابخانه‌ای عظیم، توسط عضدالدوله دیلمی بنا می‌شود که ویژگی‌های خاصی داشته است. طبق گزارش مقدسی در *احسن‌التقاسیم* در این کتابخانه، از هر کتابی که تا زمان عضدالدوله در هر رشته علمی به تحریر درآمده، دست کم یک نسخه موجود بوده است. همچنین وی از وجود نقشه‌های جغرافیایی متعددی در این کتابخانه سخن می‌گوید.^۱

همچنین رونق بازار کتاب در این عصر به نحوی بوده است که در شهری چون بغداد، بازاری با نام سوق الوراقین (= بازار نسخه‌نویسان کتاب) وجود داشته است. این نسخه‌نویسان که خود از فضایی عصر بودند، در قبال نسخه‌برداری از کتاب‌های سفارشی اهل علم، مبلغ قابل توجهی را دریافت می‌کردند.

رونق علم و دانش در بغداد عصر آل بویه، تنها برای مسلمانان اهل دانش فریبنده و جاذب نبود، بلکه بسیاری از پیروان ادیان دیگر از اقطار عالم نیز بدین شهر روی می‌آوردند و در آنجا به افاده و استفاده می‌پرداختند. با چنین رونق علمی‌ای عجیب نیست که شیخ طوسی مستقیماً از طوس به بغداد بیاید و در آنجا به اِکمالِ کمالات خویش بپردازد.

بغداد از حیث ترکیب مذهبی نیز بسیار جالب توجه بود. با آنکه حنفیان و شافعیان از اهل سنت و امامیه از شیعیان، حضور چشمگیری در این شهر داشتند، اما سهم برخی اقلیت‌های مذهبی در ایجاد آشوب بیشتر بود. از نظر ترکیب مذهبی در این شهر در نقطه مقابل شیعیان، از اهل سنت عمدتاً حنابله حضور داشتند. هر چند مذهب مورد حمایت خلفای عباسی، حنفی بود، اما حنابله از حیث تعصب و تصلب در عقیده در بغداد از همه فرق اهل سنت پیشتر بودند. مخالفت حنابله با دیگراندیشان در مخالفت با شیعیان منحصر نمی‌شد و شامل متمایلان به

گرایش‌های عقلی از متکلمان و فیلسوفان نیز می‌شد. آنان هرآنچه را در دایره تنگ منابع، محل رجوع خود نمی‌یافتند، از مصادیق بدعت و موجب تفرقه میان مسلمانان می‌دانستند. ایشان در بحث از وصایت و خلافت بلافصل امام علی علیه‌السلام و برتری وی بر دیگر صحابه، بیشترین فاصله را با شیعیان داشتند و این شکاف را علناً در سخنان و رفتارشان نشان می‌دادند. مرکز آنان در بغداد، محله باب‌البصره و مسجد جامع منصور بود و از همین نقاط بود که حملات عقیدتی و فیزیکی علیه شیعیان را سامان می‌دادند. برخلاف حنبله، حنفیان به کلام نظری علاقه داشتند و پیوندهای محکمی با معتزله برقرار می‌نمودند. برخی از معتزله هم نزد امامان حنفی، فقه می‌آموختند که از جمله آنان می‌توان به ابوالحسن کرخی اشاره کرد. این روابط طرفینی، حنفیان را در فضای بحث و فحص علمی و عقلی وارد می‌کرد و مانع از آن می‌شد که ایشان به تعصب و تصلب حنبله گرفتار آیند. شافعیان نیز که از نظر مذهبی از دیگر فرق اهل تسنن، واجد تسامح بیشتری بودند و قرابت‌های عقیدتی افزون‌تری با شیعیان داشتند، پیروان فراوانی در جانب شرقی یافته بودند و آل‌بویه نیز مجدانه مقاصد آنان را در بین‌النهرین پیش می‌بردند. مالکیان نیز عمدتاً در بصره حضور داشتند و از کانون مبارزات عقیدتی و سیاسی دور بودند.

شیعیان نیز در این دوران از حیث کثرت افراد و پیشرفت علوم دینی - به ویژه فقه و کلام - قابل توجه بودند. علمای طراز اول شیعه در این برهه زمانی ظهور یافتند. محمد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۹ق) - مؤلف الکافی؛ ابوجعفر محمد بن بابویه قمی مشهور به صدوق (م ۳۸۱ق) - مؤلف من لا یحضره الفقیه؛ شیخ مفید (م ۴۱۳ق)؛ سید مرتضی (م ۴۳۶ق) از جمله برخی از مهم‌ترین علمای شیعه بودند که در این عصر طلایی به فعالیت‌های علمی و دینی مشغول بودند. شیخ طوسی با علم به جایگاه مهم بغداد در سال‌های نخستین قرن پنجم هجری قمری به این شهر پای گذاشت و محضر بیشترین دانشمندان برجسته آن را درک کرد.

حضور در مجلس درس علمای بزرگ بغداد

یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین دانشمندانی که شیخ طوسی آرزوی حضور در محضر وی را داشت، شیخ ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان، ملقب به مفید (۴۱۳ - ۳۳۶ق)، متکلم و فقیه امامی بود. شیخ مفید که نزد علمای بزرگی چون: ابن بابویه، ابوعلی اسکافی، ابوعبدالله

مرزبانی، ابوعبدالله بصری و ابوالحسن علی بن عیسی بن رمانی تلمذ نموده بود و مراتب فضل را چنان که شایسته بود، سپری کرده بود، در این زمان در مسجد برائا تدریس می کرد. جدا از دانش فراوانی که معاصران شیخ مفید برای او برشمرده اند، برخی خصایص منحصر به فرد نیز برای وی در بحث و مناظره با مخالفان اندیشه های شیعی ذکر نموده اند.^۱ فصاحت و بلاغت در سخن و تبخّر در جدل، دو ویژگی ای بود که بسیاری را از مناظره با وی منصرف می ساخت. مشهور بود که شیخ مفید قادر است حریف خود را متقاعد سازد که ستونی چوبی در واقعیت، طلاست.^۲ گزارش های متعددی از پیروز شدن شیخ مفید بر برخی دانشمندان نامی معاصر وی از جمله علی بن عیسی رمانی، ابوبکر باقلانی و عبدالجبار معتزلی نقل شده که نشان از توانایی ها و قوّت منطقی اش در بحث با حریف دارد.

همه این نام ها از دانشمندان و بختان چیره دست عصر خود بودند و کمتر کسی را یارای مقابله با قوّت دانش و کلام ایشان بود.^۳ شیخ مفید با آنکه در بیشتر علوم دینی، تبخّر و مهارت بی نظیری داشت، اما در هیچ دانشی به اندازه علم کلام متبخّر نبود. آثار کلامی وی از جمله کتاب مشهور *اوائل المقالات* نمایانگر پختگی و احاطه وی به مباحث اعتقادی و نحوه تبیین و توجیه آنهاست. او در راه نشان دادن عقاید حقّه، نه تنها به متکلمان اهل سنت که به متکلمان امامیه نیز انتقاد می نمود. او دیدگاه های استاد خود، شیخ صدوق، را در کتاب تصحیح *الاعتقاد بصواب الانتقاد* یا شرح عقاید صدوق مورد ارزیابی و نقّادی قرار داد و با این کار به دانشمندان پس از خویش آموخت که در صورت مشاهده ضعف و نادرستی، حقیقت را قربانی هیچ مصلحتی نکنند. آنچه در حیات شیخ مفید و پس از وی، سید مرتضی و شیخ طوسی از اهمیت خاصی برخوردار است، مواجهه نزدیک آنان با جریان های فکری مختلف در بغداد است. بغداد قرن چهارم و پنجم از هر جریان فکری زنده در جهان اسلام - اعم از جریان های فلسفی، کلامی، عرفانی، فقهی و ... - نمایندگان برجسته ای را در خود جا داده بود. برای مثال: اشاعره و معتزله به عنوان دو گرایش کلامی مشهور در جهان اسلام، نمایندگان برجسته ای چون: قاضی ابوبکر باقلانی و قاضی عبدالجبار معتزلی و علی بن عیسی رمانی را در این شهر داشتند و طالبان می توانستند مستقیماً به درس و بحث ایشان حاضر شوند و از مواضع علمی

۱. ر.ک: *الامتناع والموانسة*، ج ۱، ص ۱۴۱: الفهرست، ص ۱۷۸.

۲. ر.ک: *تاریخ بغداد*، ج ۳، ص ۲۳۱.

۳. ر.ک: *فلاسفة الشيعة*، ص ۴۵۶.

ایشان آگاه گردند. خود شیخ مفید، مدّتی از محضر علی بن عیسی رمانی استفاده کرد و مبانی کلام استدلالی معتزله را از وی آموخت. شیخ مفید با آگاهی نزدیک از عقاید مذاهب اسلامی، توانست در آثار خویش، باب نقد علمی را باز کند و به شاگردان خود بیاموزد که چگونه از عقاید مذهب خویش دفاع کنند. اینکه بعدها شیخ طوسی در آثار کلامی خود و نیز در تفسیر قرآن خویش به صورت گسترده‌ای متعرّض اندیشه‌های کلامی مذاهب و فرق و نحل دیگر شد، ریشه در همین فضای خاص بغداد و شیوه مواجهه استاد خود شیخ مفید و پس از وی سید مرتضی داشت. نقل‌های بسیار جالبی از مواجهه شیخ مفید با دانشمندان هم عصرش موجود است که نشان از استواری قدم وی در دانش و اعتقاد به مذهب امامی است. برای مثال نقل شده شیخ مفید روزی شنید که یک مرد بصری از رمانی نظر وی را درباره دو حدیث، یکی مربوط به غدیر خم که در آن به علی علیه‌السلام وعده جانشینی پیغمبر داده شده بود و دیگری مربوط به غاری که ابوبکر در آن با پیغمبر صلی الله علیه و آله درنگ کرده بود، پرسش کرد. رمانی در پاسخ گفت: حدیث غار «درایت» است و حدیث غدیر «روایت». روایت به اندازه درایت، الزام‌آور نیست. هنگامی که آن مرد بصری بیرون رفت، مفید از رمانی درباره وضع و سرنوشت مردی که امام عادل را بکشد، سؤال کرد. رمانی در پاسخ گفت: قاتل، مرتکب گناه کبیره شده است. و آن گاه مفید پرسید که آیا علی علیه‌السلام امام بر حق بوده است؟ و رمانی به او جواب مثبت داد. سپس مفید پرسید: درباره جنگ جمل و طلحه و زبیر چه می‌گویید؟ و رمانی گفت: آنان توبه کردند. و چون چنین شد، مفید گفت: مسأله جمل «درایت» است و مسئله توبه کردن «روایت». رمانی پس از آن وی را نزد ابو عبدالله پس فرستاد و یادداشتی همراه وی کرد که در آن به وی لقب «مفید» داده بود.^۱

به هر روی، شیخ طوسی در ابتدای حضور در بغداد به درس شیخ مفید حاضر شد. جالب اینجاست که برخی امرای آل بویه از جمله امیر عضدالدوله دیلمی نیز در جلسات بحث وی حضور می‌یافتند و محاجّه او را با دیگر دانشمندان مشاهده می‌کردند. شیخ طوسی تا سال ۴۱۳ق - که شیخ مفید در حیات بود - از وی استفاده‌های علمی فراوان برد و پس از وی به حلقه درس و تحقیق سید مرتضی علم‌الهدی (۴۳۶ - ۳۵۵ق) - جانشین شیخ مفید - راه یافت. جدّیت شیخ طوسی در تحصیل علم خیره‌کننده بود. حتّی سال‌ها بعد هنگامی که همشهری

دانشمند وی، خواجه نصیرالدین طوسی، در رسالهٔ *آداب‌المتعلمین* خود برای تحریض اهل دانش نمونه‌ای می‌جست، کسی را بهتر از وی نمی‌یافت و او را اُسوه‌ای راستین برای تحصیل علم، معرفی می‌کرد. خواجه طوسی می‌نویسد: «محمّد بن حسن طوسی شب‌ها را بیدار می‌ماند و سرگرم مطالعه بود. کتاب‌های متعدّدی نزد خود می‌گذاشت. هنگامی که از مطالعهٔ یک نوع خسته می‌شد، به مطالعهٔ نوع دیگر می‌پرداخت. او ظرف آبی در کنار خود می‌نهاد تا بدان وسیله خواب را از چشم خویش دور نماید. زیرا وی معتقد بود که خواب، به علت گرمی است. چون وقت سحر می‌شد و بر اثر مطالعه مشکلاتش حل می‌گردید، می‌گفت: کجا پادشاهان این لذّت را درک می‌کنند؟!»^۱

باری، شیخ طوسی به سید مرتضی نیز ارادتی ویژه داشت و او را نمونهٔ دانشمندی جامع می‌دانست. وی در کتاب *الفهرست* در بارهٔ او می‌نویسد: «وی (سید مرتضی) در کثیری از دانش‌ها از جمله: کلام، فقه، اصول، ادب و شعر، صرف و نحو، درک معانی و مقاصد شعر و لغت بر همگان مقدّم بود... تصانیف و پاسخ وی به مسائل شهرها و کشورها، کتاب‌های بسیاری را در برمی‌گیرد.»^۲

سید مرتضی نیز چون شیخ مفید در علم کلام، توانایی خیره‌کننده‌ای داشت و کتب و رسالات کلامی متعدّدی از وی برجاست. او چون شیخ مفید، مروج نوعی عقلگرایی دینی بود که عمیقاً در اندیشه‌های شیخ طوسی مؤثر بود. مناظرات متعدّدی میان سید مرتضی و هم عصران وی واقع شده که در بیشتر آنها سید بر طرف مناظره چیره می‌گردد. از مشهورترین مناظرات وی می‌توان به مناظرات او با ابوالعلاء معری اشاره کرد.^۳ برای نمونه ابوالعلاء از سید می‌پرسد: اگر کسی زبان کسی را ببرد، باید هزار دینار طلا بدهد و اگر یک دست کسی را ببرد، پانصد دینار طلا بدهد که نصف دیهٔ قتل است. پس چرا دستی که پانصد دینار در صورت قطع کردن، دیهٔ آن است، برای سرقت ده دینار دست او را می‌برند؟

سید در پاسخ می‌گوید: آن دستی که اگر قطع شود، نصف دیهٔ قتل دیهٔ آن است، غرض دستِ شخصِ امین است، ولی دستِ سارق دستِ خائن است و دستش در مقابل دستِ امین،

۱. ر.ک: *آداب‌المتعلمین*، صص ۷۳ - ۷۴ و نیز *مفاخر اسلام*، ج ۳، ص ۳۵۷.

۲. *الفهرست*، ص ۲۸۸.

۳. ر.ک: *الاحتجاج*، ج ۲، صص ۵۰۶ - ۵۰۴.

ارزشی ندارد. پس قطع آن برای سرقتِ مبلغِ جزئی لازم است.^۱

سید مرتضی به حدی دانشمند و نیک نفس بوده که همین ابوالعلائی دهری و بی‌اعتقاد در حق او سخنان عجیبی گفته است. نقل شده که از ابوالعلاء هنگام خروج از عراق درباره شخصیت سید مرتضی سؤال شد و وی در پاسخ سائل، این دو بیت را بیان سرود:

یا سائلِی عنه لما جئت أسأله ألا هو الرجل العاری من العار
لو جئته لرأیت الناس فی رجل والدهر فی ساعة الأرض فی دار
(ای پرسنده‌ای که نزد من آمده‌ای که از او بپرسی! این را بدان که او مردی عاری از هر عیب است)

اگر نزد او حاضر شوی، همه مردم را در یک مرد، همه دهر را در ساعتی، و همه زمین را در سرائی خواهی یافت.^۲

سید مرتضی، افزون بر سيطرة علمی و شکوه معنوی بسیار، از حیث مادی نیز واجد برخورداری‌های قابل توجهی بود. او که نقیب آل ابی طالب و زعیم شیعیان بود، در دستگیری از فقرا و مساکین اهتمام بسیار می‌ورزید. او همچنین کتابخانه گسترده‌ای را فراهم آورده بود که بیش از هشتاد هزار جلد کتاب در آن موجود بود. شیخ طوسی چه در زمان حیات سید و چه پس از وفات وی، از این کتابخانه استفاده بسیار بُرد و شاید اگر این کتابخانه عظیم در دسترس وی نبود، به تألیف بسیاری از آثار خود موفق نمی‌گردید. شیخ طوسی علاوه بر آموختن نکات علمی از این دو عالم برجسته (شیخ مفید و سید مرتضی) با ایشان در جلسات مناظره شرکت می‌کرد و ضمن شناخت یافتن از اندیشه‌های کلامی هم‌عصران خود، راه‌های غلبه بر ایشان و انتقاد صحیح را نیز می‌آموخت. شرکت شاگردان در جلسات مناظره استاد، از سنت‌های معهود در تاریخ فرهنگ اسلامی بوده است.

از دیگر استادان مطرح شیخ طوسی در دوران حضور در بغداد، می‌توان به شیخ حسین بن عبیدالله بن غضائری (م ۴۱۱ ق) اشاره کرد. گفتنی است که شیخ طوسی در علم روایت و قرائت، مشایخ و اساتید متعددی داشته که برخی آن را تا سی و هفت نفر نیز نام برده‌اند.^۳ اما

۱. ر.ک: *اللافین*، ص ۱۰۳۶.

۲. *الاختجاج*، ص ۵۰۶.

۳. ر.ک: *النهاية و نکتها*، مقدمه آقا بزرگ طهرانی، ج ۱، صص ۴۵ - ۴۱؛ *الشیخ/طوسی/ابوجعفر محمد بن حسن*، صص ۱۷۱ - ۱۰۹.